

# اسلام و مسئله تنظیم خانواده

محمدرضا تدین<sup>۱</sup>



مقدمه

دیدگاه مذهبی نسبت به امور تنظیم خانواده و جلوگیری از بارداری چیست؟ این سؤال بخصوص طی چند دهه اخیر در ایران و دیگر کشورهای مسلمان مورد بحث بوده و هم در سطح کارشناسی (یعنی در میان علمای علوم دینی و آگاهان به امور فقهی) مطرح شده و هم در سطح عامه (یعنی مردمی که در نهایت مختار در اجرای تصمیمات هستند) مورد گفتگو قرار گرفته است. اهمیت مسئله حداقل به حدی است که وقتی وزارت بهداشت در سال ۱۳۶۲ «سمینار جمعیت و توسعه» را در تهران برگزار کرد صلاح دید از رئیس حوزه علمیه، آیت‌الله مکارم شیرازی دعوت به عمل آورد تا یک نقطه نظر مذهبی را در این مورد بیان کند. مسئله تنظیم خانواده از چند نظر قابل بررسی است که ما در اینجا به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد. اول سابقه‌ای است که این مسئله در فقه اسلامی داشته و حاوی آراء مختلف شریعت نویسان است. اما حائز اهمیت اینکه مسئله تنظیم خانواده در اوضاع جاری بسیاری از کشورهای مسلمان، و از جمله ایران، دیگر از نقطه نظر سنتی صرف مورد بررسی قرار نمی‌گیرد بلکه تا حد زیادی توسط عوامل معاصر اجتماعی تعیین می‌شود. بر همین

۱. آقای محمدرضا تدین کارشناس امور اجتماعی در حوزه خاورمیانه است. وی صاحب چند تحقیق و مقاله در زمینه تخصصی خود می‌باشد.

اساس نقد و بررسی مسئله بدون اشاره به چارچوب اجتماعی - سیاسی ایران در دوران قبل و بعد از انقلاب امکان پذیر نیست و ما به این نکات اشاره خواهیم داشت. سپس بحث‌هایی است که در موافقت و مخالفت با برنامه تنظیم خانواده می‌شود و در آن‌ها منابع اسلامی از جمله قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرد. موضوع دیگری که باید به آن اشاره کنیم - علی‌رغم اختلاف زمینه‌ای که دارند - بحث استراتژیکی و بحث خانوادگی است که اولی در حوزه منافع ملی و دومی در حوزه مصالح اجتماعی جای دارند ولی بطور جانبی نیز مورد استناد موافقین و مخالفین برنامه تنظیم خانواده قرار گرفته‌اند.

### سابقه:

نکته عمده‌ای که درباره مسئله تنظیم خانواده می‌توان در فقه یافت عزل (به معنای عقب کشیدن مرد در هنگام آمیزش و دفع نطفه در خارج از زن) است. از زمانی که شرعیت نویسی به عنوان یک سنت مذهبی پا گرفت بسیاری از منابع و تحریرات فقهی به نحوی از انحاء به مسئله عزل اشاره داشته‌اند. بعضی از این اشارات از چند جمله فراتر نرفته است، برخی دیگر چند صفحه‌ای را به آن اختصاص داده‌اند و برخی مسئله را به تفصیل و در ابعاد مختلف بررسی کرده‌اند. به اضافه در بسیاری از مراکز مذهبی این مسئله مورد بحث قرار گرفته است. آنچه که در مرور اول این منابع بدست می‌آید این است که اکثر فقهای مذاهب مختلف، عزل را جائز دانسته‌اند، گرچه برای آن شرایطی قائل شده‌اند.

به عنوان نمونه غزالی (که از مکتب شافعه‌ای است) در کتاب «احیاء علوم دین» به چهار تفسیر زمان خود اشاره دارد. تفسیر اول که عزل را بدون قید و شرط می‌پذیرد، دوم که آن را منوط به رضایت زن می‌کند، سوم که آن را فقط با زن برده قبول دارد و چهارم که آن را منع می‌کند. غزالی خود در جائز شمردن عزل در مکتب شافعی چند دلیل می‌آورد. از جمله اینکه با جلوگیری از بارداری، سلامت زن حفظ شود، از خطرهای احتمالی زایمان جلوگیری گردد و یا مانع ایجاد شرایطی شود که فرزند موجب آشفتگی مالی برای خانواده خواهد بود.

در مکتب حنفی نیز عزل جائز است. البته برخی از علماء حنفی در قرون بعدی این نظر را مطرح کردند که در شرایطی که مذهب در حال رکود است و می‌تواند به بی‌ایمانی منجر شود جلب رضایت زن ضروری نیست. مکاتب حنبلی و ملکی و شیعه نیز عزل را، با رضایت زن، جایز دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

بدیهی است که در قرون گذشته که روش‌های جدید جلوگیری از بارداری ابداع نشده بود فقها فقط در مورد عزل، که تنها روش شناخته شده بود، نظر داده‌اند. ولی بر همین اساس و بر مبنای قیاس

بسیاری از علماء در قرن حاضر، که روش‌های جلوگیری از بارداری گوناگون و متنوع شده است، بر این نظرند که این روش‌ها جایز هستند. البته تا آنجا که موجب ضررهای جنسی، از جمله ناتوانی جسمی نشود. به اضافه چون روش‌های جدید موجب تکمیل رابطه زناشویی به طریق طبیعی آن می‌باشند و می‌توانند رابطه عاطفی زن و مرد را تحکیم نمایند قابل قبول است که از روش عزل برتر شناخته شوند.

### عامل سیاسی:

نکته‌ای که به آن اشاره کردیم سیاسی شدن مسئله تنظیم خانواده و بحث‌های پیرامونی آن است. نمونه مصر و مقایسه وضع این کشور با ایران شاهدهی بر این مدعا است. در شرایط کنونی مصر، اکثر نیروهای اسلامی مخالف با دولت‌اند. البته دولت تسلط قابل ملاحظه‌ای بر شبکه مذهبی و از جمله رهبران مذهبی دارد اما بخش قابل توجهی از آنها نسبت به دولت بدبین هستند. جمعیت مصر در اوایل دهه ۱۹۹۰ بالغ بر ۶۰ میلیون نفر می‌شد و رشد آن نیز قابل ملاحظه بود. دولت قاهره برای جلوگیری از رشد بی‌رویه و غیر قابل حساب جمعیت برنامه‌هایی را به مرحله اجرا گذاشت و در همین چهارچوب بخشی از شبکه مذهبی را که تحت نفوذ داشت به تأیید این برنامه‌ها واداشت. اما بخش دیگری از دستگاه مذهبی با این برنامه دولت مخالفت کرد و دست به تبلیغات وسیعی زد. چیزی نگذشت که بحث و گفتگو درباره مسئله تنظیم خانواده قبل از آنکه براساس مباحث مذهبی صرف و یا اخلاقی تعیین و تکوین شود بر مبنای مبارزه برای قدرت سیاسی میان دولت و دستگاه مذهبی شد.<sup>۲</sup>

### پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقایسه موقعیت مصر با موقعیت ایران جالب توجه است. در ایران که روحانیون بخش عمده‌ای از قدرت حکومتی را در دست دارند، علی‌رغم برخی مخالفت‌ها که با برنامه تنظیم خانواده می‌شود، این برنامه بطور کلی از تأیید مراکز و مراجع مذهبی بهره‌مند بوده است. علت این امر واضح است. رشد بی‌رویه جمعیت مشکلات فراوانی را طی چند دهه آتی برای ایران بوجود خواهد آورد و دستگاه مجبور است به عنوان بخشی از نهاد رهبری مملکت پاسخگویی مشکلات توده مردم باشد. محدود کردن رشد جمعیت به نفع دولت و موقعیت سیاسی است. به جهاتی مقایسه وضع مصر با ایران همانند مقایسه وضع بعد از انقلاب با دوره قبل از انقلاب در ایران است. قبل از سال ۱۳۵۷ بسیاری از نیروهای مذهبی، در سطوح مختلف سیاسی و اجتماعی، با اقدامات دولت پهلوی در اجراء برنامه تنظیم خانواده مخالفت می‌کردند. این موضع‌گیری پس از انقلاب تغییر کرد و بخش عظیمی در تأیید سیاست دولت قرار گرفتند. این مسئله به حدی چشمگیر بوده است که مقامات سازمان ملل از نقش روحانیون ایران در اجراء برنامه تنظیم خانواده ستایش کرده‌اند.<sup>۲</sup>

## قرآن و تنظیم خانواده:

مسلمانان برای تعیین و تکلیف امور به چهار منبع مشخص ارجاع می‌شوند: قرآن، سنت، اجماع و عقل (که البته بین فقهای اهل سنت قیاس هم اصل مهمی است).<sup>۴</sup> طبیعی است که در مورد مسئله تنظیم خانواده نیز آنها به این منابع و قبل از همه به قرآن مراجعه کنند و این سؤال را مطرح نمایند که قرآن در مورد موضوع تنظیم خانواده و مسایل جنسی آن چه نظری دارد؟ تا آنجا که به مسئله تنظیم خانواده مربوط می‌شود، و با توجه به مطالعات دقیقی که در این مورد انجام گرفته و مشورت‌هایی که میان اهل تحقیق شده است می‌توان نظر داد که در قرآن آیه مشخصی وجود ندارد که زن و شوهر را از تعیین زمان حاملگی و یا کاهش تعداد موارد حاملگی منع کند. این تصمیم زن و شوهر می‌تواند به علل جسمی، مالی و یا فرهنگی باشد. به عبارت دیگر می‌توان به وضوح گفت هیچ متن مشخصی که روش‌های جلوگیری از بارداری را منع کند در قرآن وجود ندارد.<sup>۵</sup>

مع الوصف، عدم وجود آیه مشخصی در این مورد مانع از آن نشده است که موافقین و مخالفین برنامه تنظیم خانواده، از قرآن برای تقویت بحث خود استفاده نکنند و در تأیید نظریات خود و در رد نظریات مخالفین تفاسیر متفاوتی ارائه ندهند. ما در اینجا اجمالاً به برخی از این تفاسیر اشاره می‌کنیم و امیدواریم کارشناسان، این مباحث را در سطحی غنی ارائه دهند و کم و کاست مباحث جاری را ترمیم کنند.

با اینکه در قرآن متن مشخصی مبنی بر ممنوعیت برنامه تنظیم خانواده وجود ندارد اما طبق نظریات فقهی، سکوت قرآن در قبال برخی مسائل نباید به معنای بی‌توجهی به این مسائل تلقی شود. چرا که به اعتقاد مسلمانان، قانون‌گذار اول بر تمام مسائل واقف است و سکوت در این وادی نباید به این معنا عنوان شود که مسئله جمعیت در زمان نزول قرآن بوده و یا نبوده و به این دلیل قرآن در مورد آن اظهار نظر نکرده است.

بسیاری از فقهای اسلام سکوت قرآن را در قبال مسئله تنظیم خانواده به این معنا تفسیر کرده‌اند که قرآن این عمل را منع نمی‌کند. از جمله شیخ جادل حق امام اعظم الازهر، مرکز تاریخی و علمی مذهبی در مصر، در این مورد می‌گوید «مطالعه کامل قرآن آشکار می‌سازد که هیچ متنی در قرآن وجود ندارد که جلوگیری یا کاهش تعداد اولاد را ممنوع سازد».

علیهذا، رجوع به قرآن در جهت توسعه و تکمیل بحث مربوط به برنامه تنظیم خانواده گسترده است و اندکی توجه به مباحثی که در سطوح مختلف جریان دارد و از طریق رسانه‌های گروهی، دولتی و غیره، در دسترس عموم قرار دارد آشکار کننده این نکته می‌باشد.<sup>۶</sup> مخالفین از یک سو و موافقین از سوی دیگر برای تحکیم نظرات خود به قرآن استناد می‌کنند که البته ارائه تفاسیر مختلف، به خودی خود عاری از اشکال است و زمینه‌ساز توسعه مباحث و ارتقاء سطح گفتار می‌باشد. اما مشکل آنجا آغاز می‌شود که برخی افراد، از هر دو گروه، نخست هدف مشخصی را مد نظر قرار می‌دهند و سپس برای تأیید و تأکید بر آن به قرآن رجوع می‌نمایند. این خود نکته مهمی است که البته تنها به مباحث تنظیم خانواده مربوط نمی‌شود اما این مباحث هم از این قاعده مستثنی

نیستند. به عبارت دیگر سخنوران و نویسندگان و اندیشمندان، نخست به عللی که در این جا زمینه بررسی آن نیست نقطه نظر خاصی در مورد تنظیم خانواده اتخاذ می‌کنند و آنگاه بحث‌هایی را در تأیید مواضع خود ارائه می‌دهند. مسئله موقعی پیچیده می‌شود که این افراد اشاره مشخص و معتمنی در تأیید نظریات خود پیدا نمی‌کنند و مجبور می‌شوند در معانی برخی آیات راه مبالغه و افراط را پیش گیرند تا معانی خاص و مورد نظرشان را در آنها بیابند. به عبارت دیگر طرح مسئله - از نظر متون - جنبه صرفاً پلمیکی و نه تحقیقی پیدا می‌کند. در مقابل این کسج روی، روش صحیح‌تر عبارت است از مطالعه متن قرآن و تفاسیر معتبر و سپس توشیح عقاید مربوط به این موضوع خاص. البته بررسی نظریاتی که در موافقت و یا مخالفت با مسئله تنظیم خانواده از دیدگاه مذهبی ارائه شده است به سادگی امکان‌پذیر نیست. مایه تأسف است که مبحث جمعیت‌شناسی و مسائل مربوط به آن، و بخصوص مسئله تنظیم خانواده مورد توجه و دقت محافل حوزوی قرار نگرفته است و اگر هم تا حدودی مورد بحث واقع شده حاصل آن مقالات منظم و همه‌جانبه‌ای که از سوی این محافل منتشر شود نبوده است. شاید تحولاتی که در چند سال گذشته در حوزه‌ها به جریان افتاده است و شامل تمرکز مدیریت این نهادها و همچنین تنظیم امور درسی، برقراری استانداردها در امتحانات و رساله‌نویسی دکتری می‌شود بتواند پیش در آمدی بنیادی برای تبیین و طرح مسائل اجتماعی از جمله مسئله مورد نظر ما باشد. می‌دانیم که این تحولات مورد تأیید مقامات عالیرتبه نظام است. ولی ذکر این نکته ضروری است که چنین حمایت دولتی به تنهایی و به خودی خود کافی نیست و کلید حل مشکل شاید بیش از هر چیز، در تغییر روش کار علمی و تحقیقی است. به همین خاطر نظریاتی که در تأیید و یا رد برنامه تنظیم خانواده ارائه می‌شود پراکنده و نامنظم می‌باشد و تبیین و تنظیم آن تاکنون صورت نگرفته است. مطالبی که در دسترس محققین قرار دارد محدود است و آنچه در دسترس عوام است محدودتر از آن.

مخالفین برنامه تنظیم خانواده در تأیید نظریات خود به آیه‌هایی از قرآن اشاره دارند که در مورد قتل فرزندان است. از جمله: «فرزندان خویش را از بیم فقر نکشید، که ما شما و آنها را روزی می‌دهیم»<sup>۸</sup>

و یا به این آیه اشاره دارند که به فقرا هشدار می‌دهد تا به خاطر فقر و هراس از فقر دست به چنین اعمالی نزنند: «پروردگارت روزی هر که را بخواهد گشایش دهد یا تنگ دارد که وی به کار بندگانش آگاه است، فرزندانان را از بیم تنگدستی مکشید، ما آنها را با شما روزی می‌دهیم، که کشتنشان گناهی بزرگ است»<sup>۹</sup>

و یا آن جا که قرآن به بی‌گناهی مقتولین اشاره دارد: «و چون از قتل دخترک باز خواست شود که به چه گناهی کشته شده است»<sup>۱۰</sup>

و یا آنجا که به مورد بیعت پیغمبر با زنان مسلمان اشاره می‌شود: «ای پیغمبر، چون زنان مومن پیش تو درآیند و با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نکنند... و فرزندان خویش را نکشند»<sup>۱۱</sup>

می‌دانیم که اشاره قرآن به سنت جاهلی قتل کودکان، بخصوص نوزادان دختر در میان اعراب شبه جزیره عربستان است. این سنت حتی امروز در برخی کشورهای فقیر آسیایی از جمله هند وجود دارد. پدران و مادرانی هستند که نوزادان خود را به قتل می‌رسانند و علت این کار چندگانه است. یا آنقدر فقیر و بی‌چیزند که زندگی کودک را جز بدبختی و فلاکت چیزی نمی‌دانند. یا نگران جهیزیه‌ای هستند که باید برای شوهر دادن دختر تدارک ببینند و چون چیزی ندارند مجبور خواهند شد دختر را به طبقاتی بی‌چاره‌تر از خود، شوهر دهند. یا چون دختر نمی‌تواند مانند پسر در کنار پدر به کار در مزرعه و فعلگی بپردازد و منبع درآمد باشد او را به هلاکت می‌رسانند. در قوم قریش نیز این عادت قتل وجود داشت و دختر نوزاد را زنده به گور می‌کردند. می‌دانیم که میان قبایل عربستان، جنگ نقش مهمی داشت و هر قبیله به جنگجو نیازمند بود. به همین خاطر تولد دختر مایه ننگ و بدبختی و ضعف محسوب می‌شد و او را می‌کشتند.

برخی مخالفین برنامه تنظیم خانواده تا آنجا پیش می‌روند که آیات فوق را به معنی تلویحی منع پیشگیری از بارداری عنوان می‌کنند. اما باید جداً پرسید که آیا به راستی آیات فوق که به قتل کودکان بی‌گناه اشاره دارد به معنی جلوگیری از بارداری است؟ آیا این دو مورد - یعنی قتل نوزاد و جلوگیری از شکل‌گیری نطفه یا هم قابل مقایسه‌اند؟ آیا اشتباه نیست با اختلاط مبحث و ترکیب معانی و التقاط در عبارت دو موضوع کاملاً جدا را باهم درآمیזیم؟ مع الوصف، مخالفین برنامه تنظیم خانواده مجبور به قبول این معنا هستند که هیچ متن مشخصی وجود ندارد که والدین را از جلوگیری از بارداری منع کند. به همین دلیل است که برخی مخالفین برای اثبات نظریات خود به حدیث روی می‌آورند، که البته هر حدیث باید به جای خود ارزشیابی و محک زده شود و مگر نه موجب انحراف می‌گردد و بسیاری از احادیث مورد استناد در این مورد از نظر فقها و علمای درجه اول ضعیف شناخته شده‌اند.

مخالفین تنظیم خانواده همچنین جلوگیری از بارداری را با سقط جنین برابر دانسته‌اند و چون سقط جنین نه تنها از اعمال حرام که در زمره گناهان کبیره محسوب می‌شود مکرراً در متون اسلامی و قرآن تفسیح و منع شده است، تنظیم خانواده نیز مورد تردید جدی قرار می‌گیرد. مخالفین تنظیم خانواده این نظر را مطرح می‌کنند که هرگونه روش جلوگیری از حاملگی در واقع نوعی سقط جنین است. اما در مخالفت با این بحث باید پرسید اگر جنین شکل نگرفته و تکوین نیافته است سقط جنین دیگر مفهومی نخواهد داشت چه برسد به اینکه به معنای قتل و آن هم قتل عمد و به زشت‌ترین شکل - یعنی زنده بگور کردن - تلقی شود.

اینجا طرفداران برنامه تنظیم خانواده نیز در تأیید نظر خود به این آیات اشاره دارند: «براستی که انسان را از مایه‌ای از گل آفریدیم، آنگاه وی را نطفه‌ای در قرارگاهی استوار کردیم، سپس نطفه را خون بسته کردیم، و خون بسته را گوشت پاره کردیم و گوشت پاره را استخوان‌ها کردیم و استخوان‌ها را گوشت پوشانیدیم، و آنگاه وی را خلقتی دیگر پدید آوردیم.»<sup>۱۲</sup> براساس این آیات گفته می‌شود که تا جنین به مرحله تکوینی خود نرسیده است سقط آن معنی ندارد و بخصوص اگر

این جریان به خاطر عدم ترکیب تخمک زن با اسپرم مرد آغاز نشده باشد اطلاق معنای سقط جنین بی مورد و غلط است.

### جمهوری اسلامی ایران و مسئله تنظیم خانواده

جمهوری اسلامی بطور کلی دو دوره متفاوت و چه بسا متضاد را در قبال مسئله تنظیم خانواده پشت سر گذاشته است. دوره اول با سقوط حکومت پهلوی آغاز شد و تا حدود پایان دوره صدارت میرحسین موسوی نخست‌وزیر به درازا کشید. دوره دوم پس از آن آغاز شد و تا اوایل دهه ۷۰ در جریان بوده است. با پیروزی انقلاب این نظر در سطوح مختلف اجتماعی رشد کرد که سیاست‌های رژیم پهلوی، به هر شکل و صورتی، غلط بوده است و پس باید خلاف آن را به کار برد. این قاعده شامل برنامه تنظیم خانواده هم شد. ایران قبل از انقلاب چند دهه سابقه در امور تنظیم خانواده داشت و در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ پیشرفت‌هایی در این زمینه توسط کارشناسان و دست‌اندرکاران دولتی و غیردولتی بدست آمده بود. جنگ هشت ساله‌ای که بر ملت تحمیل شد اوضاع را بیش از پیش وخیم کرد. نتیجه این که میزان رشد جمعیت رو به افزایش گذاشت و در اواسط دهه ۶۰ ایران دارای یکی از سریع‌ترین نرخ‌های رشد جمعیت شد.

روند معکوس پس از دولت آقای موسوی و بخصوص در اواخر دهه ۶۰ قابل تبیین است. مقامات دولت که ناگهان با آمار و ارقام سرسام‌آور رشد جمعیت روبرو شده بودند اکنون توجه بیشتری به هشدارهای کارشناسان جمعیت‌شناس کردند. در پی آن مذاکرات و گفتگو در سطح دولت و کنفرانس‌ها و سخنرانی‌ها به جریان افتاد و مسئله تاحدودی عمومی شد. طبیعتاً چند سال طول می‌کشید که مسئله در سطح عوام همه‌گیر شود. در این میان رسانه‌های گروهی نقش مهمی را ایفا می‌کردند اما برخی از روزنامه‌ها به دلایلی که برای خوانندگانشان روشن نیست از عمومی کردن مسئله خودداری کرده‌اند. صدا و سیما هم چون سخنگوی رسمی دولت محسوب می‌شود و به قول معروف دست به عصا راه می‌رود و ملاحظه کاری می‌کند نتوانسته و یا نخواسته است با قدرت بالقوه‌ای که در اختیار دارد وارد صحنه شود. با این حال تنش میان طرفداران تز برنامه خانواده و مخالفین تاحدودی منعکس می‌شود. آیت‌الله مکارم شیرازی گفته است که افزایش جمعیت یک اصل اسلامی نیست. وی طی یک سخنرانی در سمینار «جمعیت و توسعه» گفت که «با مطالعه در منابع اسلامی و قرآن کریم به این نتیجه می‌رسیم که افزایش جمعیت یک اصل اسلامی نیست. چون مسلمانان در صدر اسلام در اقلیت بودند رهبران اسلامی مردم را به افزایش جمعیت تشویق می‌کردند» سمینار «جمعیت و توسعه» که در سال ۷۲ در تهران برگزار شد از نمونه تلاش‌هایی است که مقامات برای مهار بحران افزایش جمعیت به کار گرفته‌اند. اما برخی ادعاهایی که در قبال اقدامات انجام گرفته می‌شود تردید بردار است.

## جمعیت به عنوان عامل استراتژیک سیاسی

یکی از انتقادهای عمده‌ای که به اجراء برنامه تنظیم خانواده می‌شود این است که محدود کردن جمعیت یک توطئه خارجی برای محدود کردن نفوس مسلمانان و تضعیف کشورها و دولت‌های اسلامی است. این نظر هم در شرایط حساس کنونی ایران ابراز شده<sup>۱۳</sup> و هم در دیگر کشورهای اسلامی، بخصوص در چند دهه اخیر رایج بوده است. منجمله متفکر اسلامی پاکستان مولانا معدودی، که از مخالفین سرسخت برنامه تنظیم خانواده محسوب می‌شود و نوشته‌هایش مورد استفاده روحانیون همفکرش قرار گرفته است، معتقد است جلوگیری از بارداری نه تنها یک توطئه استعماری علیه اسلام است بلکه سرچشمه فساد اجتماعی و ویرانی خانواده و آزاد شدن زنان برای شرکت در نیروی کار است.<sup>۱۴</sup>

در خصوص این بحث دو نکته حائز اهمیت است. اول آنکه این مباحث اصولاً سیاسی و اجتماعی هستند و بخصوص در چهارچوب اندیشه مبارزه با استعمار و امپریالیسم بین‌المللی مفهوم اساسی خود را پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر اگر فرض سیاسی اولیه آنها - یعنی توطئه امپریالیستی - را مردود شماریم تمامی مباحث بی‌اساس خواهد شد. دوم آنکه باید توجه داشت که تأکید بر تعداد نفوس به عنوان یک عامل تعیین‌کننده در صحنه جهانی یک بخش کوچک از مباحث استراتژی در سیاست بین‌المللی است. استراتژیست‌ها از یک سو و نظریه‌پردازان تئوری‌های روابط بین‌المللی از سوی دیگر بر این نکته متفق‌القول هستند که جمعیت یک عامل مهم استراتژیک در نظم جهانی است. عامل جمعیت در کنار عوامل دیگری از جمله موقعیت جغرافیایی (ژئوپولیتیک)، منابع طبیعی، قدرت تکنولوژیکی، توان نظامی، فرهنگ عمومی و سرانجام کیفیت رهبری سیاسی مورد بحث و بررسی نظریه‌پردازان سیاست بین‌المللی قرار گرفته است.

طبیعی است که در شرایط مساوی میان دو کشور، آن که جمعیت بیشتری دارد در توازن بین‌المللی سبقت می‌گیرد چرا که در این شرایط جمعیت بیشتر به معنای قدرت بیشتر است. اما خلاف این قضیه هم صادق است و جمعیت بیش از اندازه می‌تواند عامل پیشگیرنده و منفی محسوب شود. به اضافه در شرایطی که دو کشور از جهات مختلف متفاوت باشند عامل جمعیت از اهمیت کمتری برخوردار می‌شود. مثلاً در جنگ ایران و عراق که هشت سال بدرازا کشید ایران که جمعیتش سه برابر عراق است از عامل جمعیت استفاده کرد و این یکی از دلایلی بود که موجب شد «بسبب مردمی» یکی از مهمترین استراتژی‌های نظامی ایران شود.

آنچه که بسیاری از اندیشمندان اسلامی در این مورد مطرح کرده‌اند در واقع بخشی از مباحث گسترده استراتژی در حوزه روابط سیاسی - نظامی بین‌المللی است. ولی متأسفانه بسیاری از آقایان علاقمند، احتمالاً فرصت و امکان آن را نداشته‌اند که این مباحث را به صورت پایه‌ای مورد مطالعه قرار دهند تا به نتایج عمیقتری دست پیدا کنند. به هر صورت، این مباحث بطور کلی و در جمع بندی آخر، جمعیت را یک عامل مهم تعیین قدرت استراتژیک معرفی می‌کنند اما آن را منوط و مشروط به پیشرفت عوامل دیگر از جمله قدرت اقتصادی و نظامی می‌دانند. بدین سان در اندیشه استراتژیکی،



جمعیت نمی‌تواند به تنهایی تعیین‌کننده قدرت محسوب شود.

### ضرورت تحکیم خانواده و تعیین تعداد فرزندان

در جوامع معاصر مسلمان، خانواده به‌عنوان یکی از مهمترین واحدهای زیربنایی اجتماعی مورد تأیید قرار گرفته است. اهمیت مسئله به حدی است که در برخی قوانین اساسی مملکتی، از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این مسئله به تفصیل آمده است. در اصل دهم قانون اساسی ایران می‌خوانیم: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»

اما برقراری و حفظ کانون خانوادگی منوط به عوامل گوناگون روانی، شخصیتی، اجتماعی و اعتقادی است. به عبارت دیگر عوامل مختلفی در تعیین شرایط سلامت روانی و اجتماعی این کانون مؤثرند. در مباحث سنتی تر فقهی برخی از این عوامل را مورد بحث قرار داده‌اند. از جمله اشاره شده است که ازدواج باید در سن مناسبی (از نظر جسمی، اجتماعی و فرهنگی) انجام بگیرد و گرنه سنگ زیربنای این کانون کج گذاشته می‌شود و موجب مشکلات بعدی خواهد شد. یا اینکه زن و شوهر موظفند میثاق وحدت میان خود را تا حد امکان حفظ کنند و نسبت به روابط خود با جدیت مواجه شوند. برقراری رابطه سالم خانوادگی و رابطه زناشویی از جمله مسئولیت‌هایی است که شخص باید اخلاقاً بپذیرد و گرنه زمینه بحران شخصی و خانوادگی را فراهم می‌آورد. در همین راستا است که برنامه تنظیم خانواده ابعاد مهمی پیدا می‌کند و باید مورد نظر قرار بگیرد. افزایش تعداد فرزندان، اگر به علل مختلف روانی، شخصی، اقتصادی و اجتماعی زمینه‌ای را فراهم آورد که کانون خانوادگی را به تزلزل و ویرانی بکشد نمی‌تواند مورد تأیید قرار بگیرد. اگر زن و شوهر کفایت لازم را برای انجام مسئولیت‌های فوق نداشته باشند بارداری و بچه‌داری نه تنها مورد توجه ضروری قرار نمی‌گیرد که می‌تواند مایه مشکلات بعدی شود. به همین خاطر تنظیم خانواده به لحاظ اخلاقی حائز اهمیت فوق‌العاده است.

و ظایفی که والدین نسبت به فرزندان دارند و باید به عنوان پیش شرط بچه‌داری قرار دهند (و در واقع از نظر معیار اخلاقی - مذهبی در نظر داشته باشند) چندانکه است. از جمله اینکه بایستی سلامت جسمانی کودک آتی را در درجه اول مدنظر قرار دهند. اگر دانسته شود که حاملگی موجب تولد نوزاد غیرطبیعی می‌شود جلوگیری از بارداری ضرورت اخلاقی پیدا می‌کند. دیگر اینکه فرزند حق دارد از امکانات معقول زندگی بهره‌مند باشد. این امکانات شامل استفاده از شیر مادر، داشتن سرپناه و سلامت جسمی است. مهمتر از همه آنکه فرزند حق دارد که از آینده‌ای مطمئن، به معنی داشتن امکانات تحصیلی و کسب موقعیت اجتماعی برخوردار باشد. این‌ها به عهده والدین است و والدین بایستی هنگام تصمیم‌گیری درباره تعداد فرزندان، این مسائل را مدنظر قرار دهند و گرنه افزایش تعداد فرزندان عین زیر پا گذاشتن معیارهای اخلاقی است.

زیر نویس ها:

1. Omran, A.R. Family Planning in the Legacy of Islam (Routledge, London, 1992) p.80.
۲. برای بررسی مواضع رهبران مذهبی مصر رجوع کنید به آثار شیخ محمد ابوزهره و شیخ عبدالرحمان نجار.
۳. سخنرانی نماینده صندوق جمعیت سازمان ملل، کلوب حزب لیبرال، لندن، ۱۹۹۳.
۴. برای بررسی منابع آراء فقهی مراجعه کنید به آثار آیت الله مرتضی مطهری در این مورد.
5. Omran, Family Planning, p.85.
۶. منجمله رجوع کنید به مقالات نشریات روزانه و ادواری در ماه مهر ۱۳۷۲ که همزمان با کنفرانس بین المللی تنظیم خانواده در تهران منتشر شد و همچنین به برخی سخنرانی های رادیو و تلویزیونی که به این نکته اشاره کرده اند. اما سکوت برخی از رسانه ها در قبال این نوع کنفرانس ها حائز اهمیت است.
۷. منجمله سخنان آیت الله خامنه ای خطاب به مدرسین و طلاب حوزه علمیه قم در سال ۱۳۷۲.
۸. قرآن، سوره انعام، آیه ۱۵.
۹. قرآن، سوره بنی اسرائیل، آیه ۳۱.
۱۰. قرآن، سوره تکویر، آیه ۸ و ۹.
۱۱. قرآن، سوره ممتحنه، آیه ۱۲.
۱۲. قرآن، سوره المومنون، آیات ۱۲ و ۱۳ و ۱۴.
۱۳. منجمله رجوع کنید به نوشته های آقای حاجتی کرمانی در روزنامه اطلاعات در طول سال ۱۳۷۲.
۱۴. معدودی، مولانا، حرکت تهدید النسل (موسسات رساله، بیروت، ۱۹۸۲).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی